

آذر بایجان

بشینجی دوره (دوره پنجم) ۵۳ - نجی نمره (شماره ۵۳ ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان بهمن ۱۳۸۷ ص ۱

اعلامیه فرقه دموکرات آذربایجان.

مردم قهرمان ایران و مردم شجاع تبریز

پدران و فرزندان شما با دادن قربانی بی شما انقلاب را به ثمر رساندند. رژیم پادشاهی را سرنگون کردند، روحانیون در رأس قدرت قرار گرفتند. حکومت اسلامی در ایران استقرار یافت. در این سالها است که زندگی مردم روزبروز بدوید تر میشود. گرانی بی داد می کند. بیکاری به شکل مداوم افزایش می یابد. اعتیاد میلیون ها جوان ایرانی را از زندگی فعال کنار می زند.

زندگی شخصی شهروند ایرانی از جانب نیروی انتظامی کنترل میشود. زن ایرانی از حقوق شهروندی محروم است. بیش از ۲۰ میلیون ایرانی در کشور ثروتمند زیرخط فقر زندگی می کند. کارخانه های دولتی با ارزان ترین قیمت به مالکیت سرمایه داران بزرگ در می آید فعالیت تولیدی این کارخانه ها متوقف میشود کارگران و کارمندان به اردوی بیکاران ملحق میشوند.

بحران اقتصادی و مالی جنبه جهانی به خود گرفت. ایران بعنوان کشور سرمایه دار از این بحران کنار نماند. با پائین آمدن قیمت نفت دولت در وضع بدی قرار گرفت مجلس بودجه سال ۱۳۸۸ را تصویب نمود بدولت اجازه داد گسری بودجه را با برداشت میلیاردها دلار از برنامه عمرانی ترمیم کند.

ایران انقلابی ۳۰ مین سالگرد خود را در شرایطی پشت سر میگذارد که حقوق شهروندان زیر پا گذاشته میشود. آزادیهای سیاسی محدود و محدودتر میشود. دگراندیشان سرکوب میگرددند. احزاب سیاسی ممنوع است. سانسور برروز نامه ها حاکم است ساکنین غیر فارس ایران از تحصیل به زبان مادری، از انتشار روزنامه و مجله به زبان مادری و از آزادیهای فرهنگی محروم هستند.

هم میهن تو انقلاب کردی که زندگی ات بهبود یابد. تبعیض ملی و قومی از میان برداشته شود. آزادیهای دموکراتیک در کشور برقرار گردد. ایران قرنهای بعد در صف ملل راقیه قرار گیرد. اما چنین نشد چرا؟

سالگرد انقلاب ایران

مردم ایران سی سال قبل حکومت سلطنتی را سرنگون کردند، حکومت اسلامی را سرکار آوردند. چنین تحولات سیاسی در ایران سابقه نداشت. گرچه روحانیون در نهضت های ملی نقش مهمی ایفا می کردند. اما هیچ وقت در قدرت سیاسی اشتراک مستقیم نداشتند. چنین بود در نهضت تنباکو، چنین بود در انقلاب مشروطه و در نهضت ملی کردن صنعت نفت و فرار شاه از ایران.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت شاه به ایران وضع را تغییر داد. دیکتاتوری نظامی بر کشور حاکم شد. بیش از ۵۰ هزار مستشار نظامی و غیر نظامی آمریکائی اداره امور مملکتی را در دست گرفتند، ایران به پایگاه نظامی و اطلاعاتی آمریکا تبدیل گردید. ارتش ۵۰۰ هزار نفری ایران با سلاحهای مدرن، تانکها و هواپیماهای جنگی آمریکائی مجهز شد و پاسداری منافع آمریکا در منطقه را بعهده گرفت. مجلس ایران قانون کاپیتالیسیون را تصویب نمود، بموجب این قانون مقام قضائی ایران حق نداشت شهروند مجرم آمریکا را محاکمه کند. روحانیون رادیکال با استفاده از این فرصت «مناسب» مساجد و تکایا را به مرکز تبلیغات ضد شاه مبدل ساختند. بدین طریق زمینه فکری قیام ضد آمریکائی و ضد سلطنتی فراهم گردید.

اولین جرقه این قیام در ۱۵ بهمن ۱۳۴۲ در قم و در تهران شعله و رشد کتابخانه ها و زنان بی حجاب مورد تهاجم تظاهر کنندگان قرار گرفتند. پلیس امنیتی شاه توانست قیام را سرکوب کند و سران آنرا دستگیر نماید. آیت الله خمینی یکی از رهبران قیام به ترکیه تبعید شد. او از آنجا به نجف رفت و مبارزه ضد سلطنت را از این مکان رهبری نمود. کتاب تشکیل حکومت اسلامی را تدوین نمود، مبارزه متشکل علیه شاه شکل گرفت و پایه های فکری حکومت اسلامی در محافل مذهبی ایران استحکام یافت. سازمانهای غیر مذهبی نیز از آیت الله خمینی پشتیبانی نمودند. در نتیجه روحانیون بویژه آیت الله خمینی رهبری معنوی و سیاسی مبارزه را در دست گرفتند. دهه چهل و اوایل دهه پنجاه زمینه برای عملیات انقلابی آماده شد.

این بار نیز مانند همیشه دانشجویان دانشگاه تهران ابتکار عمل را در دست گرفتند. و با تشکیل شب نشینی های شعرخوانی حرکت انقلابی آغاز گردید. در عرض یکسال (۱۳۵۶) در دانشگاههای سراسر ایران به مرکز جنبش دانشجویی مبدل گردید. سرکوب تظاهرات طلاب حوزه علمیه قم فرصتی بود برای آغاز قیام سراسری. اولین بار روز چهلم کشته

شدگان قم در تبریز بر گزار شد. هزاران نفر از ساکنین تبریز به خیابانها ریختند و با پلیس و ارتش در گیری بعمل آمد عده زخمی و کشته شدند. این تظاهرات (۲۹ بهمن ۱۳۵۶) ستون فقرات حکومت شاه را خورد کرد. تظاهرات چند میلیون نفری یاد بود قربانیان شهر قم تمام شهرهای ایران را فرا گرفت در اواسط دیماه ۱۳۵۷ شاه از ایران خارج شد. ۱۲ بهمن آیت الله خمینی از پاریس به ایران بازگشت و در ۲۲ بهمن حکومت سلطنتی واژگون گردید. در ایران نظام

جمهوری تشکیل گردید. حاکمیت ولایت جای گزین سلطنت گردید. احزاب سیاسی و سازمانهای مسلح ضد شاه از مخفی گاهها بیرون آمدند. در گیری های مسلحانه میان قوای انتظامی حکومت جدید و نیروهای ضد حکومت شاه که از شرکت در حکومت اسلامی کنار مانده بودند گسترش یافت در نهایت امر حکومت اسلامی در عرض سه سال رقبای مسلح و غیر مسلح سیاسی خود را سرکوب نمود و قدرت مطلقه در دست حکومت روحانیون متمرکز گردید. آزادیهای سیاسی بر چیده شد احزاب سیاسی ممنوع گردید. رهبران آنها دستگیر و اعدام گردیدند، مبارزه مسلحانه پایان یافت. رهبران آنها از کشور خارج شدند. پیروزی روحانیون در سراسر ایران تثبیت گردید. حالا حکومت روحانیون سیمین سال موجودیت خود را پشت سر میگذارند و با تمام قدرت حکومت می کنند.

أ- لاهرودی

شوونیزم عظمت طلبانه و ناسیونالیزم افراطی

انسانها در طول قرون و اعصار کنار هم زندگی کرده اند. اکنون نیز زندگی می کنند و در آینده و برای همیشه زندگی خواهند کردند. چنین بود در دوران توحش، چنین است در دوران تمدن و کیهان نوردی. با نگاه گذرا به جهان هستی کشوری را نمی توان پیدا کرد که ملت واحد و نژاد واحدی داشته باشد در بسیاری از کشورها دولتهای چند ملیتی تشکیل شده اند که هر یک از ملتها زبان و فرهنگ خواص و اراضی مشخص خودشان را دارند. این ملتها از حق خود مختاری فرهنگی واداری بر خوردار هستند و حکومت مرکزی را مشترکا بشکل فدرال اداره می کنند. چنین سیستم اداری در کشورهای راقیه و متمدن نهادنیه شده است. در این کشورها از ستم ملی از شوونیزم عظمت طلبانه از ناسیونالیزم افراطی اثری باقی نمانده است. کشورهای دیگری نیز موجود است که اقوام مختلف دارای نژاد، زبان و فرهنگ گوناگونی در آنها پراکنده شده اند، در کنار هم در شهر و روستا زندگی می کنند و با حفظ زبان و فرهنگ قومی خود زبان واحدی را پذیرفته اند و با همین زبان با همدیگر ارتباط بر قرار می کنند و در اداره مملکت از همین زبان مشترک استفاده می کنند.

همزیستی مسالمت آمیز ملتها و گروههای ملی در اروپا یک شکل و در آمریکا (شمال و جنوب) شکل دیگری به خود گرفته است. یعنی حق هر ملتی رعایت میشود. و قانون از این حق پاسداری می کند، اما

کشورهای دیگری نیز موجود است که حقوق اقلیتها (به جز هندوستان) رعایت نمیشود ملت حاکم صدای

حق طلبانه آنها را خفه می کنند.

اوغورها (ترکستان شرقی) مغولها (مغولستان داخلی) بودنیان تبت در چین، منطقه مسلمان نشین در فیلیپین، کردها در ترکیه، ایران عراق و سوریه، بلوچ ها در پاکستان و ایران و افغانستان ترک های آذربایجان و ترکمن ها و عربها در ایران نه تنها از حقوق ملی خود، خودمختاری ملی و فرهنگی حتی از حقوق انسانی خود محروم گردیده اند.

نهضت ۲۱ آذر در آذربایجان نخستین کوشش برای دستیابی به خود مختاری ملی و فرهنگی بود که با پشتیبانی آشکار آمریکا و انگلیس از جانب دولت ایران سرکوب گردید از آن تاریخ بیش از ۶۰ سال میگذرد. اما بحث درباره حقانیت و یا عدم حقانیت این نهضت بدون وقفه و با شدت ادامه دارد.

جامعه سیاسی ایران طی این سالها به دو جبهه متقابل تقسیم شده اند. موافقین نهضت ۲۱ در یک جناح، مخالفین آن در جناح دیگر صف آرائی کرده اند و با شدید ترین اتهامات همدیگر را میگویند و بی رحمانه هم می گویند اصطلاحاتی که در این در گیری بکار گرفته میشود. اصطلاحات وارداتی است که از اروپای «متمدن» به عاریت گرفته شده است این اصطلاح (پان ایرانیزم و پان ترکیزم) با اصطلاح شوونیسم و ناسیونالیسم مترادف است که در قرن ۲۰ بویژه سالهای آغازین این قرن از جانب ایدئولوگهای استعمار گران در مورد مسئله ملی (حق تعیین سرنوشت ملتها) بکار گرفته میشود.

شوونیستها میکوشیدند سیستم استعماری را از لحاظ تنوری توجیه کنند، ناسیونالیستها بر عکس سیستم استعماری را محکوم می نمودند از حق تعیین سرنوشت ملتها پشتیبانی به عمل می آوردند.

جنگ جهانی دوم و پیروزی قاطع روسیه شوروی بر آلمان هیتلری در این جنگ سیستم استعماری متلاشی شد. دهها و صدها کشور استعمار زده به استقلال ملی نائل آمدند و به عضویت سازمان ملل در آمدند. سالها گذشت روسیه شوروی از صحنه سیاسی جهان خارج شد، آمریکا و اروپا یک تنه اداره امور سیاسی و اقتصادی سراسر جهان را در دست گرفتند برای فشار به حاکمان خود کامه در کشورهای کثیرالمله از حل مسئله ملی (حق تعیین سرنوشت ملتها) در این کشورها از جمله در عراق پشتیبانی کردند. با این همه دولتهای «متمدن» غرب زمانی از دولتهای خود کامه در برابر روسیه شوروی حمایت به عمل می آوردند اکنون بدون رقیب بر جهان حکومت می کنند و در مورد مسئله ملی استاندارتهای دوگانه را در پیش میگیرند از اقلیت های قومی در عراق و ایران پشتیبانی می نمایند. اما کردهای ترکیه را تروریست می نامند. بر گردیم به مسئله پان ایرانیزم و پان ترکیزم. هواداران و مخالفین حق تعیین سرنوشت ملتها این اصطلاح وارداتی را برای کوبیدن همدیگر بکار می گیرند.

پان ایرانیست ها تنوری ایران بزرگ را تبلیغ می کنند. هر نظر انتقادی و یا اقدام عملی را مردود می شمارند و هواداران آنها در تجزیه طلبی و ضد ایرانی متهم می کنند.

نظریه پردازان پان ایرانیزم اقوام مختلف ایرانیان را آریا نژاد، زبان ترکی را زبان وارداتی قلمداد می کنند و برای تأمین وحدت زبانی برمنبای زبان فارسی اقدامات گوناگون انجام میدهند. بدین منظور از تدریس زبان های غیر فارس در مدارس و تکلم در ادارات، چاپ و پخش نشریات غیر فارسی جلوگیری به عمل می آورند.

خود سری پان ایرانیستها با این عمل پایان نمی یابد. آنها غرق در عالم تخیل اند، آرزوی ایران بزرگ را در سر

می پروراند، ما و را النحر را (خراسان بزرگ) شرق ایران و قفقاز را شمال ایران می نامند

مخالفت با این سیاست عظمت طلبانه خشم آنان را بر می انگیزد پان ترکیزم سلاح «برائی» در دست آنها است که مانند شمشیر دموگلیس بالای سر ترک زبانان ایران آویزان کرده اند. در عین حال پان ایرانیزم و پان ترکیزم در ظاهر به همدیگر شباهت دارد.

اما از لحاظ مضمون از یکدیگر متفاوت اند. پان ایرانیزم ملل و اقوام مختلف را در یک دیک می جوشاند و از معجون آن ملت واحدی بنام ملت ایران درست می کند. پان ترکیزم بر عکس اتحاد دولتهای ترک زبان را در نظر می گیرد. ترک های آسیای مرکزی، قفقاز و ایران حکومت مستقل قومی و ملی نداشتند. حکومت عثمانی تنها حکومتی بود که در اواسط قرن ۱۵ در آسیای صغیر، (در اراضی روم شرقی) تشکیل گردید. شبه جزیره بالکان و کشورهای عربی را از شط العرب تا اقیانوس اطلس در شمال آفریقا تحت تسلط خود در آورد. ۵۰۰ سال در این سرزمین ها حکومت کرد. در جنگ جهانی اول (۱۹۲۰) شکست خورد مستعمرات خود را از دست داد. بعنوان یک دولت مستقل بنام ترکیه موجودیت خود را حفظ نمود.

بعد از متلاشی شدن اتحاد شوروی (۱۹۹۱) ترک زبانان آسیای مرکزی و قفقاز مستقل شدند. و ترک زبانان کرانه رودخانه ولقا (تاتارستان و باشقیرستان و...) به عنوان ایالات خود مختار در ترکیب روسیه باقی ماندند. پان ترکیست ها برخلاف آروزی خود نمیتوانند دولتهای مستقل و خود مختار را در چارچوب یک دولت واحد جمع کنند و ترکستان بزرگ را بوجود بیاورند. بنابراین پان ترکیزم بر خلاف پان ایرانیزم روی همبستگی دولتهای ترک زبان تکیه می کند و هیچ حمل فشار برای تأمین این همبستگی در اختیار ندارند و برای دست یابی به آن پا فشاری نمی کنند.

تنها پارسیان ایران هستند که از استقلال سیاسی، از استقلال فرهنگی حتی از خود مختاری فرهنگی ساکنین همه ایرانیان غیر فارس با اعمال زور و فشار جلوگیری میکنند و پان ترکیزم را برای سرکوبی هویت طلبان ایران علم می کنند.

در پایان یاد آوری میشود که پان ایرانیست ها مدیون ترکان غزنوی هستند زیرا سلطان محمود غزنوی بود که زبان فارسی، شعر و ادبیات فارسی را ترویج نمود، فردوسی با دستور شاه غزنوی شاهنامه را در عرض سی سال «خلق» نمود. بدین وسیله پان ایرانیزم و یا پان فارسیزم پایه گذاری گردید.

یوزلردن بیر نچه سی

(کیچیک اولدوزلار)

یاریم عصردن آرتیق حرمت و دقتله آدلارینی دفتیرمه کوچوردیگیم جوان عالمترین (علملر

نامزدلرینین) مدافعه ایتدیکلری علمی نظری و تجربه وی موضوعلاری نین یاتیندا کیچیک بیر

اولدوز شکللی چکیردیم. بو علمی موضوعلار

رنگا- رنگ اولدیقی کیمی اولدوقجا دولغون - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بوتون

حیاتیمیزی احاطه ایتدیگی کیمی چوخ ماراقلی و دگرلی ایدیلر. هر اولدوز شکللی چکدیگجه

اورگیم سونینجله دویونر، درین خیالا دالاراق وطنیمیز ایرانین طهران، تبریز، رشت، اردبیل،

مهاباد، آستارا، زنجان، مشهور و اصفاهان

شهرلرینده آتا - آنالی، باجلی - قارداشلی، قوهوم - عقربالی بیر زماندا دنیایه گوز آچمیش ایندی ایسه عمو- دایی سیز، آنجاق نوز باجاریق و استعدادلاری ایله بیر بیرینین آردینجا علمی نائیلیتلری قازاناراق گلکه جکده وطنیمیزین سمالاریندا پارلیاجاقلارینی خیالیمدا جانلاندیریب دریندن نفس چکردیم. آتا- آنالاری، عمو- داییلاری اولمایان بو انسانلارین او زماندان (۱۲ دکانبر ۱۹۴۶) بو گونه کیمی امید و سیغیناجاق یری آذربایجان دموکرات فرقه سی ایدی. فرقه نین او گوندن بو یاخین وقتلره قدر آپاردیقی دوزگون ایده اولوژی ایش نتیجه سینده خصوصیه کادر و تحصیل ساحه سینده دفته لایق ایدی. تحصیل آنلارلا تمنا سیز هر جور شرایطین یارادیلماسی و انلارلا امکان داخلینده مادی یاردیم اولونماسی سایه سینده اونلارلا حکیم، مهندس آفرانوم، معلم و اجتماعی حیاتی میزین بوتون ساحه لرینده فعالیت گوستره بیله جک بویوک بیر دسته یارانمیش و اونلارین ایچیندن ایسه داها یوخاری پیله لری فتح ایتمک ایچون عالمر- نامزدلر، دکتورلار و پروفیسورلار میدانا گل میشدیلر.

گرانمایه، محمد تقی و روئین دژ طوفان - راستوف (روسیه) طب اینیستوتونا، عافیت محمدرضا و امیراهی صابر- نین قراد - دیل - ادبیات اینیستوتونا، جودی محمد باقر و پناهیان علی کالنین طب اینیستوتونا، خاچاطوریان مارطیروسن- غازان طب اینیستوتونا، فریدی عباسعلی و لطیفی انشالله دونتسکی شهر پولی تخنیک اینیستوتونا، تلفونجی کریم - ایوانوف شهر پولی تخنیک اینیستوتونا، ابلوج انور و عمرانی ظاهر مسکوا کینو ماتوقرافییا اینیستوتونا، ذوالفقارزاده علی اسکندر و صادقی آقا - سیویردلوفسکی داغ- معدن اینیستوتونا، شکرالهی غلام حسین و بیرنفر فارس یولداش نینقراد رسام لیق اینیستیتونا، ایوبی کریم - نین قراد تاریخ

اینیستوتونا جاویدان آذر، دیده کنان بهادر و قربانعلی زاده علی حسین اوغلی - بلقارستان جمهوریسینده طب اینیستوتونا گنجه شهر توخوجولوق نخنیکومونو بیتیرن بیر دسته داشکند (اوزبکیستان) توخوجولوق (اینیستوتونا) مسکوا اجتماعی

علملر اینیستوتونا - دانشیان غلام یحیی جدائی عظیم غفاری شوکور (حسین زاده صادق) گری قوریان مارتیک، دیده کنان مختار، لاهرودی امیرعلی، قربانعلی زاده حسین ابراهیمی ایرج بلوری حکیمه گوندریلمه سی، تحصیل آلاق، اسپرانتورا دوری کچرمه لری فرقه نین

مهاجرت دورینده دفته لایق ایشلریندن کیچیک بیر نمونه دیر. ایوانف (روسیه) شهرینده کی بین الملل اوشاق انوینه هر ایل اونلارلا مهاجر اوشاقلاری نین تحصیل ایچون گوندریلمه سی و بونلارلا فارس الیفباسینین اویردیلمه سی ایچون مهاجر یولداشلاردان روئین دژ همای، پیری موسی ندیمی عبدالرحیم و باشقا معلم یولداشلارین گوندریلمه سی ده اهمیتلی درجه ده لازم ایدی و ایدیلدی.

باکی شهرینده سید جعفر پیشه وری آدینا فارس تمایلی اورتا مکتبیین آچیلماسی بوتون مهاجر یولداشلاری سویندیردی. بو فرقه نین تحصیل ساحه سینده ان مهم وان آکتوال ایشلریندن بیرى ساییلماسی هامییا معلومدور. جمهورینین ۲۵ بؤلگه سینده خصوصیه باکی، گنجه و سومقانیق کیمی شهرلرده یاشایان مهاجرلرین بالالاری بو مکتبه هوسله اوخویوردیلار. مکتبه تعلیم - تربیه و تحصیل ایشلریله مشغول اولمالاری ایچون پشه کار پروین زیباچهر شفیه،

مجیدزاده توحیده آخوندزاده رامیز، عارف صفا، آخوندزاده عادلہ معلمرین ده ایشه جلب ایدیلمه سی ده تقدیره لایق ایدی. جمهورین بوتون تخیکوم و عالی مکتبلرینده تحصیل آلان بو

انسانلارین چوخلارینی تانیدیقیم چوخلاریله چورک یه ییب سو اچدیگیم گوزلری، صفتلری، بوی- بوخونلاری، سسلری، دانیشیقلاری، طبسم و کدرلنمه لری، بو گونه کیمی قلبیمده و گوزلریمده حک اولونموشدور. زمان نوز آتینی برک چاپیر، گونش غروبا تله سیر، آشغیدا آدلاری قید اولوناجاق و سچیلن بو نجیب و تمیز انسانلارین بعضی لری نین اولدوزلارینین گوشه لرینی بیرلشدیردیکده گورمنی بوغور. اونلارین آدینی ویرمزدن قابق بویوک شاعریمیز سید محمد حسین شهریارین بیر قطعه شعرى یادا دوشور.

حیدر بابا یولون سنین کج اولدی.

عمریم کچدی گلنمدیم گج اولدی

هیچ بیلمه دیم گوزلرین نج اولدی

بیلمزدیم دونگه لر وار، دونوم وار

ایتگیلیک وار، آیریلیق وار، نولوم وار.

حسرت و نیسکیلر

۶۲ ایل کچدی. مهاجرت اوزانیر، وصال هله لیک قاچیر. بو مدت عرضینده آدف - نین مرکزی کمیته سینه باشچیلیق ایتیمیش پیشه وری ایشی نین دوامچیلاری اولان بیرینجی شخصلرین سچیلن و سچیلمه ین یوزلرله - مهندس حکیم، بایتار حکیم، آقرانوم، معلم و بوتون باشقا ساحه لر اوزره کادر حاضرلانماسیندا بویوک خدمتلی وار و تقدیره لایق دیر. بو کادرلارین حاضرلانماسیندا تدریس بولمه سینین مدیری الهامی غلامرضا و عمومی شعبه مدیری بخشی رحیم یولداشلارین دا زحمتلی اونودولماز دیر. گونش ینه چیخاجاق و اولدوزلار ینه ده پارلایاجاقینا اینانیرام.

دکتر غفار کاوه - مغانلی

مهاجر عالمر ترتیب ائدن دکتور کاوه غفار

اجتماعی علمر اوزره

نامزد	اقتصادیات	دست گشاده فرج	۲۵	دکتور	تاریخ	شاهین تقی	۱
نامزد	تاریخ	گلاویژ علی	۲۶	دکتور پروفیسور	دیل - ادبیات	محمد زاده حمید	۲
نامزد	اقتصادیات	قنبری محمد باقر	۲۷	دکتور	ادبیات	کندلی غفار	۳
نامزد	اقتصادیات	کیهان مهدی	۲۸	دکتور	تاریخ	شمسی محمد	۴
نامزد	تاریخ	بیژره اکرم	۲۹	دکتور پروفیسور	دیل ادبیات	پناهی منوچهر	۵
نامزد	اقتصادیات	قاسمی حاجی	۳۰	دکتور	دیل-ادبیات	بگدلی غلامحسین	۶
نامزد	ریاضیات	خیامی قلی علی	۳۱	دکتور	تاریخ	پناهیان محمود	۷
نامزد	ادبیات	دادرز صادق زاده فیروز	۳۲	دکتور پروفیسور	تاریخ	عون الهاسید آقا	۸
نامزد	ادبیات	بلوری حکیمه	۳۳	دکتور	آرخولوگیا	جدی حسین	۹
نامزد	ادبیات	جهانی قاسم	۳۴	دکتور	دیل-ادبیات	امراهی صابر	۱۰
نامزد	حقوق	میرز زاده سلطانعلی	۳۵	نامزد	تاریخ	امین زاده احمد	۱۱
نامزد	تاریخ	قاضی رحیم	۳۶	نامزد	اقتصادیات	ربیع ماشالله	۱۲
نامزد	تاریخ	دولی محمد	۳۷				
نامزد	کیمیا	وطنخواه علی حیدر	۳۸				
نامزد	تاریخ	امین مؤید رسول	۳۹				
نامزد	تاریخ	اصلانی سعدالله	۴۰				
دکتور	سکه شناس	سیف الدین محمد	۴۱	دکتور	فلسفه	آگاهی ابدالحسین	۱۳
نلمزد	فرش شناس	مجبری جعفر	۴۲	نامزد	فلسفه	زاهدی جلال	۱۴
دکتور	تاریخ ادبیات	یعقوبیان اسد	۴۳	نامزد	فلسفه	باشنگی فائق	۱۵
نامزد	تاریخ	سلیمانی اصغر	۴۴	دکتور پروفیسور	دیل-ادبیات	قنبری محمد حسین	۱۶
نامزد	تاریخ	آدرلو محمد	۴۵	نامزد	دیل ادبیات	حاتمی محمد	۱۷
نامزد	حقوق	طریق پیما اسماعیل	۴۶	نامزد	تاریخ	شمیده علی	۱۸
نامزد	دیل- ادبیات	مصدق محمد علی	۴۷	دکتور	دیل-ادبیات	زرینه زاده حسین	۱۹
نامزد	تاریخ	ابوبی کریم	۴۸	نامزد	تاریخ	فاضلی عبدالله	۲۰
نامزد	اقتصادیات	نظری حسن	۴۹	نامزد	اقتصادیات	فاضلی حسین	۲۱
دکتور	اقتصادیات	صفری حمید	۵۰	نامزد	ژورنالیست	ولائی میررحیم	۲۲
نامزد	اقتصادیات	تراوانسیان گری گوری	۵۱	نامزد	تاریخ	عاقیت محمدرضا	۲۳
نامزد	ادبیات	حیدرزاده علی قلی	۵۲	نامزد	اقتصادیات	البرزی حسین	۲۴

نفت کیمیا اوزره

دکتر پروفیسور	گیولوق	پناهی شفیق	۵۳
دکتر	نفت	نیک بخت نجف	۵۴
نامزد	گیولوق	عاقیت صمد	۵۵
نامزد	نفت	فرزانه یداله	۵۶
نامزد		مقرب صمدی غلامرضا	۵۷
نامزد		اعلائی صمد	۵۸
نامزد	الکترونیک	جوشن پوش کامل	۵۹
نامزد	گیولوق	پناهی کاوس	۶۰
دکتر		پناهی بهروز	۶۱
نامزد	نفت	ابروگر ابراهیم	۶۲
نامزد	نفت	سیدعلی زاده بهروز	۶۳

کند تصرفانی اوزره

دکتر پروفیسور نیویورک آکادمیاسی نین عضوی	تورپاق شناس	شکوری بهروز	۶۴
نامزد	آقرانوم	نیک نژاد برات	۶۵
نامزد	بایتار حکیم	میر نصیری میر حسین	۶۶
نامزد		اقدمی میکائیل	۶۷
نامزد	آقرونوم	اصغری بابا	۶۸
نامزد	چای اوزه آقرانوم	ایمانی انور	۶۹
نامزد	آقرونوم	گنجه ای مهر آیدین	۷۰
نامزد	آقرونوم	جهانی سلیمان	۷۱
نامزد	آقرانوم	علی اصغر زاده رسول	۷۲
نامزد	آقرانوم	هاشمی میر ابو الفضل	۷۳
نامزد	تاریخ	پناهی اژدر	۷۴
نامزد		محمدی بویوک	۷۵
نامزد		عظیمی حسین	۷۶

طب اوزره

دکتر- پروفیسور	عزراچیلیق	تقدیسی جواد	۷۷
دکتر- پروفیسور	اورک- کاردی اولوق	ایرانی مطلب	۷۸
دکتر- پروفیسور	عزراچیلیق	نسوداری اکبر	۷۹
دکتر	جان - فیزیالوژی	احدی حسین	۸۰
دکتر	جراح	پورژونی اصلان	۸۱
دکتر	جراح	رونین دژ طوفان	۸۲
نامزد	حکیم	پناهی منیره	۸۳
نامزد	جراح	گرانمایه محمد تقی	۸۴
نامزد	جراح	بهرامی محمود	۸۵
نامزد	جان حکیمی	حاتم زاده مرسل	۸۶
نامزد	عصب حکیمی	عرهفت یوسف	۸۷
نامزد	قادین حکیمی	بیژه مهربان	۸۸
دکتر	قادین حکیمی	قاراچمن احمد	۸۹
نامزد	جراح	پناهی یان علی	۹۰
نامزد	جراح	پناهی یان مصطفی	۹۱
نتمزد	جان حکیمی	جددی محمد باقر	۹۲
نتمزد	جان حکیمی	قریب آذر رضی	۹۳
نامزد	دری-ظهوری	پناهی مالک	۹۴
نامزد		میلانیانمحسن اوغلی	۹۵

ادبیات اینجه صنعت مدنیت اوزر

خالق شاعری	آذراوغلو بالاش	۹۶
خالق شاعری	گلگون مدینه	۹۷
خالق شاعری	طاهری سهراب	۹۸
موسیقی شناس	عمرانی رافیک	۹۹
موسیقی شناس	کریمی سیاوش	۱۰۰
خالق آرتیسنی	اشراقی رویابه (مرادوا)	۱۰۱
امکدار آرتیست	سلیمانپور محمد	۱۰۲
امکدار آرتیست	فیض اله یف نوروز	۱۰۳
امکدار آرتیست	شکری صاحب	۱۰۴
امکدار آرتیست	ابلوج حسن	۱۰۵
پارودیا آرتیستی	حسن جبرانیلاوف (آهنگری) کریم اف (داناتی)	۱۰۶
آرتیست	واله	۱۰۷
ادمان اوستاسی بین الخالق حاکم	آهنگی قهرمان	۱۰۸
ایدمانچی - گولش س. س. ره. دمیر یولچولاری اوزره	آهنگی اژدر	۱۰۹
۳ دفعه		
قزیل مدال آلیب		

آذربایجان ملی مجلسینین

بیرینجی اجلاسیندا اشتراک ائدن نماینده لر (۸۰ نفر)

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۲۸- آتش خان بیات ماکو - خوی | سید جفر پیشه وری - تبریز |
| ۲۹- مراد علی تیموری بیات ماکو - خوی | ۲- محمد بی ریا - تبریز |
| ۳۰- عبدالحسین احمدی - ماکو | ۳- زین العابدین قیامی - تبریز |
| ۳۱- محمود ترابی - ماکو | ۴- صادق پادگان - تبریز |
| ۳۲- احمد برادران آهنگری سلماس | ۵- سلام اله جاوید - تبریز |
| ۳۳- مکرم ترابی - سلماس | ۶- محمد تقی رفیعی - تبریز |
| ۳۴- حسین ذوقی - یگانات | ۷- علی شبستری - تبریز |
| ۳۵- یوسف بابا جانیان - ارومیه | ۸- ابولفتح نیکجو - تبریز |
| ۳۶- حسن جودت اردبیل | ۹- فتحعلی ایپکچیان - تبریز |
| ۳۷- محمد ضیا یوسف قاضی کوردستان | ۱۰- علی شمسی ماشینیچی - تبریز |
| ۳۸- حاج مصطفی داوودی - کوردستان | ۱۱- محمد عظیما - تبریز |
| ۳۹- حسین تیز فهم تیکمه داشی قره چمن اوجان عباس | ۱۲- نوراله یکانی - خوی |
| ۴۰- عباس هدایت - ارونق | ۱۳- ابولحسن واقف - سراب |
| ۴۱- غلامعلی زارع نعمت آبادی - مهرآزور | ۱۴- محمود غزنوی - سراب |
| ۴۲- عباس جمالی - انزاب | ۱۵- یوسف عظیما - سراب |
| ۴۳- حسین صانعی - کاوگان ممقان | ۱۶- محرم دانائی - اهر - ارسباران |
| ۴۴- احمد صالح پور - اسکو | ۱۷- قاسم آقازاده - اهر - ارسباران |
| ۴۵- داداش تقی زاده - ماراغا | ۱۸- احمد سیدی - ارومیه |
| ۴۶- سیفعلی و ثوق - ماراغا | ۱۹- صادق دیلمقانی - ارومیه |
| ۴۷- ایوب شکیبیا - ماراغا | ۲۰- تقی شاهین - ارومیه |
| ۴۸- علی اصغر دیبانیان - ماراغا | ۲۱- آزاد وطن - ارومیه |
| ۴۹- جعفر ادیب - بناب | ۲۲- محمد علی معین زاده - ارومیه |
| ۵۰- بابگیس قوروقچیان - ارامنه | ۲۳- بهرام نابی - ارومیه |
| ۵۱- داوود گریگوریان - ارامنه | ۲۴- غلام دانشیان - سراب |
| ۵۲- حسین آخوندزاده - ارسباران | ۲۵- ژنرال کبیری - ماراغا |
| ۵۳- عماد خمسه - زنجان | ۲۶- قلی صبحی - میانداپ |
| | ۲۷- غلامرضا جاویدان - سراب |

- ۶۸ - تقی واهاب زاده - اردبیل
۶۹ - مجید خسروی - اردبیل
۷۰ - بیوک آقا واهاب زاده - اردبیل
۷۱ - بالاش آذر اوغلی - موغان
۷۲ - مقصود طیبا - هریس
۷۳ - صادق زمانی - آسنارا
۷۴ - فریدون ابراهیمی - چمارشولی
۷۵ - خانم شمس جدی
۷۶ - خانم عقیفه ترکی
۷۷ - اسماعیل شمسی
۷۸ - کاویان جعفر
۷۹ - میرحیم ولانی
۸۰ - میرکاظم اعلم
- ۵۴ - نصرالله جاهانشاهلو - زنجان
۵۵ - ابراهیم ضیائی - زنجان
۵۶ - معرفت صفائی - زنجان
۵۷ - خلیل رهبری - زنجان
۵۸ - حبیب ریحاتی - زنجان
۵۹ - عزیز بصیری - زنجان
۶۰ - هلال ناصری - زنجان
۶۱ - نقدعلی توکلی - زنجان
۶۲ - نظر منصور - زنجان
۶۳ - محرم بابازاده - میانداپ
۶۴ - تقی بوزچلو - سلدوز
۶۵ - هاشم مرادی - کاغذکنان
۶۶ - یعقوب قدس اردبیل - نمین
۶۷ - محمد جلیلی - اردبیل

نقد اظهارات آقای لاهرودی ونگاهی به جعلیات تاریخی امثال "

گوناد" ها دوستان گرامی " گوناد": شما عمدا یا سهوا دچار بدفهمی تاریخی شده اید،
واگر میبینید که ازپاره ای ازکارهای پیشه وری به نیکی یاد میشود، این خاطره های خوش
عمدتا ناشی از اقدامات اجتماعی- اقتصادی اوبخصوص بنفع دهقانان ستمدیده ی آذربایجان
ودفع شرارت های پایان ناپذیر ژاندارم ها از آنان بوده - ژاندارم هایی که آلت اعمال سیاست
های امپریالیسم آمریکا وانگلستان در آذربایجان بوده اند وبطور ایدئولوژیک متحدین شما
بحساب میآیند! لطفا سفره ی خود را از پیشه وریهای انسان دوست - جدا ساخته وآبروی
فعالین مدنی آذربایجان را حفظ کنید!

اخیرا سایت تهیه (<http://www.tahieh.net/index.phtml?tsk=gunagun>) مصاحبه ی
دونوبتی را با آقای امیر علی لاهرودی (دبیرکل فرقه ی دموکرات آذربایجان) ترتیب داده که ایشان
در مورد نحوه ی تشکیل این حزب ونیات پیشه وری ازتاسیس آن را چنین بیان میکنند:

"عرض کنم که تا تاریخ 1320 شمسی، وقتی که من 18 سال داشتم، در هیچ جا نشنیده بودم که
مسئله زبان آذربایجانی و فارسی مطرح باشد. بعد از ورود متفقین به ایران و به اصطلاح فرار
رضا شاه، آزادی های دموکراتیک به وجود آمد و همچنین احزاب متعدد چپ و راست و راست
میانه و...تشکیل شدند، مسائل بسیاری مطرح شد از جمله مسئله هویت شناسی و ملی مطرح شد
وبر مبنای همین مسئله بود که بعد از تسلیم بی قید و شرط ژانین، در آذربایجان، تحت رهبری پیشه
وری فرقه دموکرات آذربایجان تشکیل شد و خود پیشه وری هم گفت که گر چه این مسئله در
آذربایجان به نام مسئله ملی مطرح است ولی این به آن معناست که آذربایجان مانند گذشته
پایگاهی خواهد بود برای دموکراسی در

سراسر ایران و برای جلوگیری از دیکتاتوری جدید مانند دیکتاتوری رضا خان. مسئله ملی
از همین جا شروع شد ولی این مسئله ملی با سرکوب فرقه دموکرات و کشتار مردم آذربایجان و

فداییان با حمایت مستقیم آمریکا، متروک ماند و آذربایجانی تا انقلاب ایران مسئله ملی را مطرح نکردند، چون خطر جانی و مالی داشت و..."

بنابراین از نظر پیشه وری، طرح منفک شدن آذربایجان وادغام آن در "جمهوری آذربایجان" محلی از اعراب نداشته و کار دوستان ما در محافل مانند تلویزیون "گوناآذ" در استناد بر ایشان و در راستای توجیه افکار خود و بخصوص نمایش دادن تصاویرشان

در هر فرصت مغتنم، نامی جز تحریف تاریخ و تلاش برای گمراهی مردم نمیتواند داشته باشد. جریانات یاد شده اگر واقعا به درستی خط مشی خود اعتقاد دارند، میتوانند آن را تبلیغ کنند و تنها مجازند که از پیشه وری بعنوان یک چهره ی تاریخی آذربایجان ذکری بعمل آورده و عقاید ایشان را که در تعارض با جهان بینی آنهاست، بجایش کشیده و بر مردم اجازه دهند که انتخاب مورد پسند خود را داشته باشند. بخصوص آنکه در این قسمت از مصاحبه، دولت آمریکا بشدت مورد اتهام قرار گرفته و این درحالیست که "تلویزیون

گوناآذ" بارها و بصراحت کامل اعلام کرده که حرکت ملی آذربایجان دشمنی بنام آمریکا ندارد. خیلی خوب دوستان عزیز! اگر این عدم دشمنی با سردمداران نظام آمریکا واقعا هم منطقی است، شما هم میباید که در قبال این مسئله که چه تغییرات مثبتی در ساختار حاکمیت آمریکا در این 60 سال اتفاق افتاده که که یکباره آن را از یک نیروی دشمن به

یار و غار ما آذربایجانیها تبدیل کرده است، توضیحات مستدلی ارائه کنید. از نظر اینجانب حکومت آمریکا در مقایسه با دوران "روزولت" و... بارها خشن تر و ضد انسانی تر شده و اقدامات چند دهه ی آن در تجاوز به حقوق سایر ملل محک محکمی در ثبوت این ادعا میباشد.

این مسئول فرقه در مورد وضعیت کنونی "حرکت ملی آذربایجان" چنین اظهار نظر میکند:

"سه نظر وجود دارد یعنی سه خط وجود دارد.... راه سوم هم هست که اکثر آنها در خارج زندگی میکنند:

جدا کردن آذربایجان از ایران و بلوچستان و کردستان و خوزستان از ایران و تشکیل دولت های مستقل در این مناطق. به این ترتیب این استقلال طلبان در خارج از ایران جریان های مختلفی را راه انداخته اند که اسامی آنها را شما خودتان می دانید و چهارمین جریان مسئله وحدت سرتاسری آذربایجان بود که مبتکرین آنها انلیچی بک ها بودند که می گفتند ما یک ملتی هستیم که از دربند گرفته تا عراق و ترکمن نشین ها، تا آنجا آذربایجان هست و ما باید یک آذربایجان واحد تشکیل دهیم و این هم یک ایلوژیون (توهم) بود که می خواستند و مطرح کردند و بعدا هم وضعی شد که به خودی خود این نظریات به بوته فراموشی سپرده شد. و استقلال طلبی هم در خارج است و در ایران اگر هم باشد، هیچ کس مطرح نمی کند."

در اینجا هم از گردانندگان "گوناآذ" و شرکا درخواست میشود که با لحاظ سخنان فوق آقای لاهرودی و برای تنویر افکار عمومی موضع گیری خاص خود را داشته و بر ادعاهای دموکراسی خواهی و رعایت وجدان علمی خود در بیان حوادث صحنه بگذارند.

آقای لاهرودی مسئله ی علییده ای را در مورد "بابک خرمدین" بشرح زیر مطرح میکند که اینجا هم هر شنونده ی نکته بینی متوجه تفاوت فاحش این دیدگاه با روش کسانی را که خود را "استقلال طلب" مینامند، میگردد.

"در زمان بابک خرم دین و آن وقت ها که تجزیه طلبی مطرح نبود. در آن دوران هخامنشیان و سلوکیان و اشکانیان و ساسانیان و خلفای اموی و عباسی و بعد حکومت ترکهای آسیای میانه در سرتاسر منطقه حکومت می کردند و هر کس به حکومت می رسید از هندوستان تا خلیج فارس و تا شاخ آفریقا حکومت می کردند و حتی حمله کردند و یونانستان را هم گرفتند. آن دوران مسئله کل منطقه بود که یک قوم یک ملت در این قدرت نمایی شرکت می کرد و این منطقه را زیر نفوذ خود در می آورد. با این همه داریوش از مقر خود برای صد و بیست و هفت ایالت فرمان می فرستاد و این 127 فرمان همه به زبان محلی بود. یعنی به یک زبان نوشته نمی شد بلکه به زبان محلی نوشته می شد و به جایها داده می شد، یعنی این ملل تحت فرمان، یک خود مختاری در این امپراطوری داشتند. تا زمان رضا شاه هم این خودمختاری در سرتاسر ایران وجود داشته ولی رضا خان ایندولوگها را جمع آوری کرد که چرا به زبان چنگیز خان صحبت می کنید و این ملت را سرکوب کردند. حالا یا چنگیز این زبان را آورده بود و یا این زبان از قدیم الایام در آنجا موجود بوده. این مسئله نیست، مسئله این است که آذربایجانی در حال حاضر با این زبان صحبت می کند.

بابک خرمدین هم جزئی از اینها بود. او علیه خلافت عباسی می جنگید برای تحکیم قدرت ایرانیان. او ایرانی بود که نمی خواست زیر سلطه اعراب عباسی برود و به این جهت او را کشتند. آنهایی

که می روند برای یادبود قلعه بابک خرمدین، آنها نمی خواهند آذربایجان را از ایران جدا کنند. آنها یادی از

قهرمانی می کنند که برای تمامیت ارضی ایران جان خود را فدا کرد. برای آزادی ایران از سلطه اعراب جان خود را تسلیم کرد. هم آذربایجانی هم سراسر ایران باید به این قهرمان افتخار کنند و چرا نروند و قلعه را زیارت نکنند و جشن و سرور راه نیندازند. این عملیات مسلحانه و یا تروریستی نبوده که، اینها می رفتند جشن و سرور بر پا می کردند و از این قهرمان ایران و ایرانیان یادی می کردند."

من بدون اینکه مکت زیادی بر روی این ادعاهای آقای لاهرودی کرده باشم، ناگزیرم که اعلام موضع مستدل شمارا که که مسلما در تناقض با این سخنان آقای لاهرودی است، خواستارگردم.

اما طرف دیگر قضیه اظهاراتی است که آقای لاهرودی در مورد عدم خدشه دار کردن وحدت ملی ایران از طرف تلویزیون های جمهوری آذربایجان نموده است. اینجانب نیز بعنوان مشتری

چندین دهه ی این رسانه ها، ضمن موافقت با قسمتی از ادعاهای جناب لاهرودی، بر این باورم که گرچه مقامات ارشد دولتی همان مواضع را اتخاذ میکنند که آقای لاهرودی اعلام فرموده اند

ولی بارها شاهد دخالت مجریان این تلویزیونها درامور داخلی ایران بوده ام وبعینه مشاهده نموده ام که اقتدارگرایان حلیمی مانند (ظلم خان یعقوب - شاعروکیل مجلس آذربایجان) و دیگران در برنامه های

تلویزیونی خود رگه هایی از این دخالت خود را بنمایش گذاشته اند و این سواي دخالت های صریح " صابر رستمخانی ها - رهبر داك 2 و عضو مجلس ملی آذربایجان با تظاهرات مخالفت گرایانه " در این مورد

است. این مسئله هم درست است که AZTV برخلاف دیگر تلویزیونهای آذربایجانی، در این مورد با احتیاط بیشتری وارد عمل میشود. سخنان آقای لاهرودی در این مورد چنین بیان شده است:

"بله. باکو که من هر روز به رادیو تلویزیون نگاه می کنم. اصلا اینها علیه ایران و وحدت ملی در ایران هیچ چیز نمی گویند. اینها اخبار را مطرح می کنند. حتی اخباری در مورد زندانی شدن جوانها در

آذربایجان ایران را هم منعکس نمی کنند، فقط خیرهایی را که خبر گزاریهای بزرگ جهان بخش می کنند به زبان آذری تکرار می کنند. یعنی اینها تشویق نمی کنند که بروید این کار را بکنید. چنین چیزی نیست.

ولی تلویزیون ها و رادیو های آذربایجان شوروی، خواننده و بیننده زیادی دارد و چون به زبان مادری آنها بخش می شود آذری های ایران تمام برنامه ها به ویژه برنامه های هنری و موسیقی را نگاه می کنند و

گاه گاه تلفن می کنند به مرکز آن تلویزیون ها و می گویند فلان کس خواننده خوبی است و بیشتر از نظر موسیقی و هنر علاقه دارند."

"تا فرو پاشی اتحاد شوروی به جز ما کسی نمی توانست به اتحاد شوروی قدم بگذارد. اگر کسی می آمد می گرفتندش و سه سال زندانی میکردند و می فرستادند به قفقاز شمالی."

اظهارات کوتاه و بسیار معنی دار آقای لاهرودی در مورد روابط خاص (فرقه ی دموکرات آذربایجان) با شوروی خالی از هرگونه توضیح اضافی بوده و بیاتگر است که هیچ گروه دیگری بغیر از آنان حق ورود به خاک شوروی را نداشته اند و این بمعنی وجود روابط برادرانه ی (انترناسیونالیزم پرولتری - دراصل

انترناسیونالیزم سلطه گری استالینی) بین این حزب و حکومت شوروی بوده است.

در اینجا دو سوال اساسی برای من مطرح است: چرا آقای لاهرودی با اینهمه تجربه ی تلخ و بلند مدت با " استالینیسیم" وداع نکرده و مهمتر اینکه چرا ناسیونالیست های افراطی ما به جریانی افتخار میکنند که "

استالین" ستمگر حامی آن بوده است؟ آیا دشمنی این هموطنان ما با سوسیالیزم - که آن را آگاهانه یا ناآگاهانه با " استالینیزم" یکی میداند، نباید منطبقا بمعنی قطع پیوند آنها با فرقه ی دموکرات آذربایجان

باشدو نباید آنها راوادارد که ازخیر پیشه وری و... گذشته وصادقانه ازاین جریان اعلام تبری نمایند؟ اما آنها در عمل این کار را نمیکند و ما چاره ای جز این نداریم که این ناسیونالیست های افراطی را شاگردان

باوفای " ماکیاول " بنامیم!

دوستان گرامی " گوناذ": شما عمدا یا سهوا دچار بدفهمی تاریخی شده اید، و اگر میبینید که ازپاره ای از کارهای پیشه وری به نیکی یاد میشود، این خاطره های خوش عمدتا ناشی از اقدامات اجتماعی- اقتصادی

اوبخصوص بنفع دهقانان ستمدیده ی آذربایجان و دفع شرارت های پایان ناپذیر ژاندارم ها از آنان بوده - ژاندارم هایی که آلت اعمال سیاست های امپریالیسم آمریکا وانگلستان در آذربایجان بوده اند و بطور

ایدئولوژیک متحدین شما بحساب میآیند! لطفا سفره ی خود را ازپیشه وریهای انسان دوست - و متأسفانه افسون شده در دست " استالینیسیم" - جدا ساخته و آبروی فعالین مدنی آذربایجان را حفظ کنید!

حسن حسینی

شهروند تبریزی و محقق تاریخ فرقه ی دموکرات

آذرماه 1387

آذربایجان دموکرات فرقه سی مهاجرتده
ده نوز نظامنامه سینی دموکراتیک فرمادا
حیاتا کنچیرمیشدیر.

امپریالیزمین شاهلیق رژیمینه کومگی ایله
علاقه دار آذربایجان ملی حکومتی مغلوب اولدوقدان
سونرا آذربایجان دموکرات فرقه سی 30 مین نفر
قربان وئرمیشدیر. آذربایجان دموکرات فرقه سینی
دییری ساخلماق، گله چک مبارزه یه رهبرلیک
اندیلمه سی مقصدیله مرکزی کمیته و اونون
عضولرینین بعضی لرینین مهاجرت انتمه یه مجبور
اولموشلار.

360 مین نفر فرقه نین عضولریندن یالنیز
3000 نفری 1946 - جی ایلین دکابر آیینین 12 ده
مهاجرت انتمیشدیر. آذربایجان دموکرات فرقه سی
درحال 1947 - جی ایلین باشلایاراق نوز نظامنامه
سی اساسیندا، شرایطه او یغون اولاراق مرکزی
کمیته نی، اونون محلی کمیته لرینی و حوزه لرینی
کنچمیش سووه ت آذربایجانین راینلاریندا نوز
نظامنامه سی ایله علاقه دار دموکراتیک فورمادا
تشکیل انتمیشدیر.

آذربایجان دموکرات فرقه سی مهاجرت ایلرینده
نوزونون حوزه لرینده، محلی کمیته لرینده و
مرکزی کمیته ده دموکراتیک پرینسیپلر اساسیندا
بونلاری اداره ائده چک رهبرلری گیزلی سئچکه لر
یولو ایله معین لشدیرمیشدیر.

آندیمیزدان دؤنمه دیک
باشیمیزا کول الندی دینمه دیک،
اودوموزا سو چیلندی سونمه دیک،
گنجه - گوندوز یورولمادیق دویوشدوق
فیکریمیزدن آندیمیزدان دؤنمه دیک.

تورپاغیمی نچه یره بولدولر،
هم اوزومه، هم آرخامجا گولدولر
ایگیدلریم دیریلدیلر، نولدولر،
بیزینه ده آلیشاراق سونمه دیک،
فیکریمیزدن، آندی میزدان دؤنمه دیک

وطن ددیک آزادلیغا جان آتدیق،
تاریخ بویو نچه دولت یارانیدیق،
یاتانلاری یوخوسوندان اویاتدیق،
گنجه- گوندوز بیز آلیشیدیق سونمه دیک
فیکریمیزدن، آندی میزدان دؤنمه دیک

پارچالانیدیق، سپه لندیک انلره،
دوشدوک نچه آغیزلارا، دیلره،
وطن میز دوشدو دن اللره،
بیز ینه ده آلیشاراق سنمه دیک
فیکریمیزدن، آندیمیزدان دنمه دیک

حیات بیزی چالخالادی نهره تک،
بیز دویوشدوک آزادلیق چون تک به تک ،
بو دونیادا ملت وارمی بیزیم تک؟
بیز ینه ده آلیشاراق سونمه دیک،
فیکریمیزدن، آندیمیزدان دؤنمه دیک.

ایگیدلریم زندانلارا آتیلدی،
کلینلرین قارا قاشی چاتیلدی،
شیرین عمره هر گون زهر قاتیلدی ،
بیز ینه ده آلولانیدیق، سونمه دیک،
فیکریمیزدن، آندیمیزدان دؤنمه دیک.

باشیمیزا نه لر گلدی ایلاهی!
بیزه باخیب یادلار گولدو ایلاهی!
آنالاریم تنگه گلدی ایلاهی!
قوربان وئردیک نسیل نسیل وطن چون،
قاتلار آخدی فصل - فصل وطن چون،
بیز ینه ده آلیشاراق سونمه دیک،
فیکریمیزدن، آندیمیزدان دؤنمه دیک.
عارف صفا ۲۰۰۹

ایله بیر دفه حوزه لرده، ایکی ایلدن بیر محلی کمیته لرده و 3 ایلدن بیر مرکزی کمیته ده حسابات سنجگی ایجلاساری کنجیریلیمشدیر. همین حسابات سنجگی ایجلاساریندا نشکیلاتلارا رهبرلیگ اندن هئیت لر حسابات دورونده گوردوکلری ایشلر حاقیندا یازیلی (معروضه

فرماسیندا) معلومات وئرمیشلر. اونلارین حسابات دورونده کی فعالیت لری مذاکره اندیلیمیش، نوقسانلار گوستریلمیش، گله جک فعالیت لری حاقیندا یوللار معین لشدیریلیمشدیر.

گیزی سس وئرمه یولو ایله نشکیلاتلارا رهبرلیگ اندن هئیت لر دیشدیریلیمیش و یینی رهبرلر (هئیت عضولری) سنجیلیمشدیر. وئرین حسابات معلومات لاری و یینی هئیت لرین سنجیلیمه سی دموکراتیک اصولدا چوخ یوکسک سویه ده دموکراتیک پرنسیپ لر اساسیندا یئیلشدیریلیمیش، رهبر اورقانلار عوض اندیلیمیش، جوانلشدیریلیمیش، داها ایش بیلن فرقه عضولری سنجیلیمشدیر. محلی و شهر کمیته لرینده سنجگیلر یولو ایله حوزه لره محلی کمیته لره انله جه ده مرکزی کمیته یه یینی جوانلار ایشه جلب اندیلیمیش گوجلو فرقه کادرلاری حاضیرلانیمشدیر.

فرقه کادرلاری بیر نچه یوللارلا حاضیرلانیردی باکینین و مسکوا نین پارتیا مکتبلری یولو ایله 500 نفردن آرتیق فرقه عضولری همان پارتیا مکتبلرینی قورتارمیشلار. خصوصیه فرقه نین تشکیلاتلاری یولو ایله کادرلارین حاضیرلانماسی داها یوکسک سویه ده اولموشدور. 100 - دن چوخ حوزه عضولرینین هئیت لری (هر بیر حوضه هئیتلرینه فرقه عضولرینین سایه ایله علاقه دار 3 نفردن 7 نفره قدر هئیت عضولری سنجیلیب حوزه لری اداره اندیریلر) 30 نفردن آرتیق اولان محلی کمیته لره 11 نفردن 17 نفره قدر فرقه عضولری سنجیلیب رهبرلیگ اندیردیله. انله جه ده فرقه نین مرکزی کمیته سینه 25 نفردن 31 نفره قدر عضولر سنجیلیردیله. بونلار حسابات دورونده فرقه کادرلاری کیمی تکمیلشدیردیله. چونکی اولارین فرقه کادرلاری کیمی ایشی اداره انتمه بی اویرنمک اوچون سنمنارلار و باشقا مشغه له لر آپاریلیردی.

بو ایشلری گورمک اوچون فرقه حوزه لری معروضه شکلینده فرقه کادرلاری نجه ایشله مه لی، ایرانی نجه تانیمالی و مبارزه نی هانسی فورمادا آپارمالیدیر. مذاکیره لر آپاریلیردی. انله جه ده دنیادا باش وئرمیش و آپاریلان مبارزه یوللارینی حوزه لر واسیطه سیله فرقه عضولری مذاکره اندیب بیر کادر کیمی حاضیرلانیردیله. هم ده حوزه

لرده مذاکیره اولونان معروضه لر ایله علاقه دار فرقه عضولری ایراندا باش وئرن حادثه لری، ایرانین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وضیتی ایله دایم تانیش اولوردولار. فرقه نین رهبرلیگی آلتیندا یارانمیش ایرانلی سیاسی پناهنده لر جمعیتی، جمعیتین نزدینده یارانمیش جوانلار نشکیلاتی، قادینلار تشکیلاتی مهاجرلر آراسیندا بویوک و دیرلی ایشلر آپاریردیلار. بونون نتیجه سینده سیاسی مهاجرلرین قادینلارینین و اوشاقلارینین سوادلانماسی و دنیا گوروشلرینین آرنماسی اوچون ثمره لی ایشلر آپاریمیشدیر. بو ایشلرین هامیسی فرق قویولمادان دموکراتیک ایشلر اساسیندا هامیا، بوتون مهاجرلره برابر خدمت اندیلمیشدیر.

اقتصادی جهتدن مهاجرلرین ازاب چکمه لرینه امکان وئریلمه میشدیر. فرقه عضولرینه و فدانیلره تقاعدلر وئریلمیش، اونلارین عالی مکتب و تخنیکوملاردا اوخیان اوشاقلارینا علاوه تقاعدلرین وئریلمه سی نشکیل اندیلمیشدیر. بوتون بو ایشلرین گورولمه سینده آذربایجان دموکرات فرقه سینین خدمتلی و رولو دانیلمازدیر.

لاکن فرقه یه خور باخانلار، خصوصیه فرقه نین آذربایجان ملی حکومتینین دشمنلرینین و اونلارین تأثری آلتینا دوشن مخالف قوه لر فرقه نین بویوک ثمره لی فعالیت لرین، کولگه آلتینا سالماغا چالیشیردیلار.

قید انتمک لازیمدیر کی، سوسیالیست جبهه سی داغیلدیقدان سونرا بوتون دنیادا انقلابی و مترقی تشکیلاتلارا بویوک ضربه لر وورولماقلا، اونلارین اوزه رینه هجوملار باشلاندی و اونلارین فعالیت انتمه لرینه امکان وئریلمیر. بو وضعیت مهاجرته فعالیت اندن آذربایجان دموکرات فرقه سینده داها گوجلو منفی تأثیر انتمیشدیر. لاکن بوتون بو هجوملارا و بهتانلارا باخمایاراق، 21 آذر حرکاتی نین غلبه سی نتیجه سینده یارانمیش آذربایجان ملی حکومتینین حیاتا کوچیردیگی دموکراتیک تدبیرلرین تأثیرینی و بوتون ایران خالقلارینین منافی لرینه خدمت اندن ایشلرینین اهمیتینی آرادان آپارا بیلیمیرلر.

دشمن لرین هجوملارینا و فرقه یه قارشى دشمن موقعدن فعالیت انتمه لرینه باخمایاراق آذربایجان دموکرات فرقه سی یاشاییر و چتینلیک لره باخمایاراق مبارزه نی دوام انتدیریر.

سیاسی مهاجرلرین معیشت و ساغلاملیقلارینا چوخ قایغی گوستریلمیشدیر.
 عالی مکتب و تخنیکوملاری قورتاران جاوانلارین بیر کادر کیمی، ساوادلی و ایدیالوژی جهدن تربیه لنمه لرینه فکر و نریلیر و قایغی گوستریلیردی. ایرانلی سیاسی مهاجرلرین هامیسی انو و ایش ایله تامین اندیلمیشدیر.

فدانیلاره و انقلابی فعالیتی اولان آدمالارا تقاعد و نریلمیشدیر. خسته لره و وفات انتمیش مهاجر عانله لرینه مادی یاردیم گوستریلیردی. سیاسی مهاجرلرین حرمتله و قید شرطسیز وطنه قایتمالاری اوچون دفعه لرله ایرانین دولت رهبرلرینه و بین لخالق تشکیلاتلارا، سووه ت دولتی رهبرلرینه سیاسی پناهندلر جمعی آدیندان مکتوبلار یازیلیمیشدیر. سیاسی مهاجرلر 1979 - جو ایله قدر ایراندا کی عانله عضولرینه ایله 40 مانات یاردیم گوندیریلیر. بونون بویوک اهمیتی وار ایدی.

جمعیتن آدیلا 1968 - جی الدن 1979- جو ایله قدر سیاسی مهاجرلر طرفیندن و ننتاما یاردیم، ایراندا سیاسی زندانیلرین عالیه لرینه یاردیم، ایراندا زلزلدن زیان چکنلره یاردیم اوچون 230 مین مانات پول توپلانمیشدیر. بو دا بین الخالق حیاتدا و مترقی تشکیلاتلار آراسیندا آذربایجان دموکرات فرقه سینین نفوذونو آتیرمیشدیر.

1966- جی الین مارت آیندا یارانمیش ایرانلی سیاسی پناهنده لر جمعیتی آذربایجان شعبه سی شوراسی اونون بخش شورالارینین صدرلری و شعبه لری، اله جه ده مرکزی شوراسینین صدری و شعبه لری ۱۹۷۰ نجی ایله قدر مستقل ایشله میشدیر. لاکن ۱۹۷۰ - جی ایلدن سونرا بخش شورالاریندا و مرکزی شورادا فرقه نین تشکیلاتلاری بیرلشدیریلدی. عین آدم هم فرقه نینی صدری و هم ده بخش شوراسینین صدری اولموشدور. اله جه ده مرکزی شورادا شعبه لر بیرلشدیریلیمیش، لاکن جمعیتن صدری آیری آدم اولموشدور.

1990- جی ایله کچیریلن آذربایجان دموکرات فرقه سینین 9 - جو کنفرانسیندا قرارا آلینمیشدیر که، آذربایجان دموکرات فرقه سی مرکزی کمیته سینین عضولری عینی زماندا سیاسی پناهنده لر جمعیتی آذربایجان شعبه سی مرکزی شوراسینین عضولری، شعبه لری ده بیرلشدیریلیمیشدیر. اله جه ده صدر هم آذربایجان دموکرات فرقه سی مرکزی کمیته سینین و هم ده پناهنده لر جمعیتنین صدری لاهرودی امیرعلی سنچیلیمیشدیر. کنفرانس جمعیتن آدیندان سیاسی سوزونو گوتورموش فقط پناهنده لر جمعیتی آلداندریلیمیشدیر. بودا منیم فکریمجه سهو الموشدور. گویا ایندی ایرانا گتمک آزاددیر و هر کس ایسته سه گنده بیلر اونا گوره ده سیاسی مهاجر آدینین قالماسی نوز اهمییتینی ایتیرمیشدیر.

قید اتمک لازیمدیر کی، نه قدر کی، آذربایجان دموکرات فرقه سینین ایراندا آزاد فعالیت اتمه سینه امکان و نریلمیر، سیاسی مهاجرلیک آدیدا یاشامالیدیر.

1966- جی ایلدن 1994 - جو ایلین آوقوست آینا قدر برلی ایداره لره گوندیریلن مکتوبلارین هامیسی جمعیتن بلانکی و مهرو ایله گوندریلمیشدیر. تکجه 1950 - جی ایلدن 1991 - جی ایله قدر آذربایجان کمونیست پارتیاسینا و ناظرلر سووه تینه انله جه ده سووه ت انفاقی کمونیست پارتیاسینین مرکزی کمته سین و بیر نمره لی کمیته آدیلا اولان بلانک واسطه سیله مکتوبلار گوندریلمیشدیر.

1991- جی ایله سووه ت انفاقی داغیلیدقان سونرا همین بلانک لار نوز اهمییتینی ایتیرمیشدیر. عینی زماندا آذربایجان دموکرات فرقه سی مرکزی کمیته سی و ایرانلی سیاسی پناهنده لر جمعیتنه آیریلیمیش و سانطده دایاندیریلیمیشدیر.

1993 - جو ایلین اکتیابر آیین 27 - سیندن 11 نفرلیک کمیسیانین رهبرلیگی آلتیندا آذربایجان دموکرات فرقه سی لاهرودی امیرعلینین صدرلیگی آلتیندا مهاجرلر جمعیتی آدیلا نوز فعالیتینی دوام اندیریر.

قید اتمک لازیمدیر کی، ایرانلی سیاسی پناهنده لر جمعیتی آدی آلتیندا 21 آذر حرکاتینین ایلدنوملری، اله جه ده ایراندا و دنیادا باش و نرن انقلابی حرکات و انقلابی حرکاتدا باش و نرن شهید اولانلارین خاطره سی بویوک سوویه ده قید ایدیلمیشدی. کچیریلن تدبیرلر فرقه نین یاشاماسینا و نفوذونون آرتماسینا کمک اتمیشدیر.

قید اتمک لازیمدیر کی، آذربایجان دموکرات فرقه سی مهاجرتده یاشاییر نوز انقلابی نفوذونو قورویوب ساخلاییر. آذربایجان خالقی و گله جک نسل فرقه نین قارشیا قویدوغو وظیفه لرین حیاتا کچیریلمه سین نائل اولاجاقدیر. آذربایجان مهاجرلری فرقه نی تمیز و انقلابی روحدا یاشاداجاق اونون عضولری انقلابی مبارزه نی انوماتیاجاقلار.

اردبیلی لطفعلی فلکی

أ- لاهرودی

برده داران حکومت بردگان را پذیرا شدند.

آمریکا یگانه کشوری در جهان است که ساکنین آنرا مهاجرین تشکیل میدهند. کشوری که بعد از کشف شدن نیم کره غربی نخست اروپائیان سفید پوست بر آن سرازیر شدند، ثروت بی کران طبیعی آنرا به تصرف خود در آوردند در عرض دو صد سال آنرا (آمریکا) به ثروتمندترین و قدرتمندترین کشور جهان تبدیل نمودند.

آمریکا در سالهای موجودیت خود مرزها را باز گذاشت و مهاجرین را با آغوش باز پذیرفت و برای کار و زندگی آنان شرایط مناسب را فراهم نمود.

مهاجرین آسیائی و بردگان آفریقائی بعنوان نیروی کار فزیکتی در مزرعه های جنوب و در کارخانه های صنعتی شمال به کار گرفته شدند. درصد سال اخیر مغزهای متفکر اروپائی و آسیائی برای رشد علم و صنعت خدمات شایسته ای انجام دادند و میدهند. آمریکا کشوری است که ساکنین آن نژاد واحد، ملت واحد و زبان واحدی ندارد. دهها و صدها گروههای ملی در این کشور زبان و تمدن ملی خود را حفظ کرده و بر مبنای آن فرهنگ مشترکی بوجود آورده اند.

بدین ترتیب آمریکا یک کشور کلاسیک سرمایه داری است که همه محاسن و معایب سرمایه داری را در خود متبلور نموده است. آمریکا دارای اقتصاد مبتنی بر مالکیت خصوص بر ابزار تولیدی است. آمریکا با از سر گذراندن بحران های سکلیک و با جذب نیروی کار و مواد خام از همسایگان جنوبی و با دست درازی به منابع طبیعی مناطق دیگر جهان یگانه کشوری است که ۴۰٪ اقتصاد جهان را از آن خود ساخته است. بعد از منهدم شدن اردوگاه شرق و از میان برداشتن شدن مالکیت اجتماعی بر و سائل تولید در این اردوگان حکمرانی بر جهان را در دست خود منمرکز نموده و پایگاههای اقتصادی و نظامی خود را در اقصای نقاط جهان گسترده تر ساخته است.

امپراطوری ۲۰ سال اخیر آمریکا امپراطوری اسکندر مقدونی را در ذهن تداعی میکند که ۳۰۰ سال قبل از میلاد قدرتمندترین امپراطوری پارسیان را به زانو در آورد. با این همه ویژه گی های جهان امروزی با ویژگی های ما قبل تاریخ قابل مقایسه نیست، در آن زمان بربریت بر جهان حاکم بود. امروز برعکس تمدن بشری به حدی غیر قابل تصور

رشد یافته و جنبه جهان به خود گرفته است. در چنین جهانی است که سرمایه داری بعنوان سیستم اجتماعی کارائی خود را از دست میدهد و از چارچوب وضع موجود اجتماعی و اقتصاد خارج میشود.

قطب بندی میان فقر ثروت، پائین آمدن سطح زندگی در قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بحران ساختاری سرمایه داری را بشکل عریان به نمایش می گذارد. حالا فقر نمی خواهد در کنار ثروت «جا خوش» کند و از اصل همزیستی تبعیت

نماید. سرمایه مالی سرمایه صنعتی را روی انگشتان خود به رقصاند. طبقه متوسط را از طریق اعطای وام به اسارت بکشد، با فروش اوراق بهادار پس انداز شهروندان را از دست آنان به رباید و زندگی آنها را مختل نماید چنانچه اکنون مختل نموده است. حالا کار به جای رسیده است که هم

سهامدار، هم بانک قرضه با ور شکسته گی جبران ناپزیر روبرو شده اند. در چنین شرایطی است که دولت با خریدن این سهام واعطای وام به کارخانه های اتومبیل سازی تنظیم امور مالی و اقتصادی را در دست می گیرد. این بدین معنی است که حکمروانی مالکیت خصوص بر و سائل تولید و مؤسسات مالی بسر رسیده است. کشورهای سرمایه داری رشد یافته این واقعیت را درک می کنند که و میخواهند با ملی کردن مؤسسات مالی و صنعتی به بحران مالی و اقتصادی پایان دهند.

پیروزی باراک حسین اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نشان داد که مردم خواهان تحولات ریشه در ساختار اجتماعی و اقتصادی هستند، بعبارت دقیقتر مردم درک می کنند که سرمایه داری کارآئی خود را از دست داده به عامل ترمز کننده مبدل شده است. لذا تغییر و تحول رادیکال در سیستم اجتماعی و اقتصادی آمریکا و اروپا امکان پذیر است بدین سبب است که صاحبان برده فرزند برده را به عالی ترین و قدرتمند ترین مقام دولتی بر گزیدند یعنی برده داران حکومت برده گان را با «جان و دل» پذیرا شدند.

روز های دشواری در پیش است

نظام سرمایه داری از سال های آغازین خود با بحران های ادواری همراه بوده است. تئوریسین های نظام بر این باور بودند که نظام توانایی و قدرت بازسازی خود را دارد و با دست پنهانی که در درونش نهفته است می تواند از این بحران ها نجات یابد و با ابزار و سازکار های موجود راه برون رفت از بحران را فراهم آورد. هرچند پیامد این بحران ها گاهی با جنگ و ویرانی همراه بوده و روزگار سخت و دشواری را بر انسان تحمیل کرده است. بحران های ادواری گاهی هم در سیاست تأثیر گذاشته، دگرگونی های ژرفی در اقتصاد و ساختار اجتماعی بوجود آورده است.

نظام سرمایه داری در پی سال ها سود آوری، ثبات ظاهری، بازی با پول، شبه پول و اوراق بهادار که هیچگونه پشتوانه تولیدی نداشت، دگرگونی های عمیقی در ساختار اجتماعی آفرید و در پی فروپاشی نظام سوسیالیستی خود را یگانه آلترناتیو اقتصادی و اجتماعی نشان داد و با یدک کشیدن نام و مفهوم دمکراسی همراه با لیبرالیسم نو در جایگاه مقدسی قرار گرفت. این روند برخی از انسان های سر خورده را مجذوب خود ساخت. در این میان انقلاب الکترونیک، گسترش اطلاعات و جهانی شدن اقتصاد به آفرینش شرکت های فراملی که بخش عمده ای از اقتصاد جهان را در دست دارند یاری رساند و به انباشت بیشتر سرمایه در دست این شرکت ها انجامید. از این رو بحران های موجود در اقتصاد که بیشتر دامن این شرکت ها را می گیرد، متعلق به یک کشور و یا در جغرافیای یک کشور و یا منطقه نمی گنجد. بنابراین بحرانی که در چند ماه گذشته از ایالات متحده آغاز شده، دیر یا زود ولی با سرعت به کشور های دیگر جهان گسترش خواهد یافت.

به نظر می رسد، بحران امروز شدید ترین، عمیق ترین و طولانی ترین موجی باشد که در چند دهه گذشته رخ داده است، زیرا در پی سال ها رشد ناموزون، بظاهر پررونق که با سود های باد آورده به همراه بوده است، در آمریکا ظاهر شده، از یک بخش اقتصادی بسرعت به بخش های دیگر سرایت کرده است. بیش از آغاز بحران، بازار بورس و

معاملات انترنتی، همراه با بازار گسترده و اقتصاد قدرتمند، زمینه ورود سرمایه های هنگفت را از جهان به سوی ایالات متحده فراهم کرد. پائین بودن نرخ بهره و امکانات وسیع و راحت بانک ها در دادن وام، میلیون ها آمریکایی را تشویق کرد که صاحب خانه های لوکس شوند، در مدت کوتاهی تقاضا برای خرید خانه به شدت افزایش یافت، خانه کالایی نیست که بتوان بسرعت تولید کرد، در

نتیجه ارزش خانه ها به شکل سرسام آوری بالا رفت. سود آوری در بخش مسکن شرکت های سرمایه گذار را تشویق به شراکت و دخالت کرد. آنها اسناد و بدهی های مردم در نزد بانک ها را خریده، خود با مردم وام دار مخاطب شدند، در این میان حجم نقدینگی در نزد بانک ها

فزونی گرفت و ارزش دلار کاهش یافت. این کاهش در صادرات باز تاب یافت و بر حجم و مقدار آن افزوده شد. هنوز مسکن و شرکت های سرمایه گذار از افزایش قیمت سود می بردند و با فروش سهام خود بر سرمایه خود می افزودند که با پیشی گرفتن عرضه از تقاضا روبرو شدند. نخست بازار از شتاب افتاد، سپس روند نزولی قیمت ها آغاز شد. دیگر برخی از وام گیرندگان توانایی باز پرداخت وام های خود را نداشتند. شرکت های سرمایه گذار و بانک ها با کمبود نقدینگی روبرو شده، در چند قدمی ورشکستگی قرار گرفتند. موسسات مالی برای پیشگیری از بحران و ورشکستگی به پائین آوردن هزینه هاپرداختند و تعدادی از کارکنان خود را اخراج نمودند. هنوز مدیران که سال ها با سود باد آورده فربه شده بودند، بحران را مقطعی و گذرا می خواندند، ولی سقوط ارزش سهام و گسترش آن به واحد ها و بخش های دیگر اقتصاد آنها را نگران و مضطرب کرد. در مدت کوتاهی شرکت های بزرگ خودرو سازی به بحران واکنش نشان داده به شدت ارزش سهام خود را از دست دادند. بانک ها و موسسات مالی برای نجات خود به امکانات دولتی و عمومی متوسل شدند. دیگر نظام نئولیبرالیسم که همواره از دولت می خواست در امور اقتصاد دخالت نکند کارایی خود را از دست داده، برای برون رفت از بحران به مالیات کارگران و زحمتکشان چشم دوخته بود. بازی با میزان نرخ بهره و تدابیر پولی و مالی بانک مرکزی به تنهایی کارساز نبود. دوران شکوفایی و رونق اقتصادی در دو بخش تسلیحات و نفت که با بالا

بردن معاملات کاغذی به چندین برابر قیمت رسیده بود به مخاطره افتاد و با آغاز بحران رو به کاهش گذاشت. قیمت نفت در مدت کوتاهی از ۱۴۷ دلار به زیر ۴۰ دلار تنزل یافت. دیگر بحران به خارج از مرز های آمریکا راه پیدا می کرد. قدم نخست به کشور های اتحادیه اروپا و کشور های صادر کننده نفت بود. بنگاه های اقتصادی و دولت های رانت خوار که به درآمد های نفتی متکی بودند از ترس و آینده سرگیجه گرفته به وحشت افتادند، دیگر نعره مستانه از درآمد های نفتی سر نمی دادند. در ایالات متحده آمریکا سال های رونق با افزایش هزینه های عمومی بویژه با افزایش هزینه های نظامی همراه بود. از این رو بار دیگر افزایش هزینه های نظامی و فروش تسلیحات با ایجاد مناطق بحران و جنگ در دستور روز قرار گرفت. پیشبرد این سیاست با اهداف باطنی و ظاهری نظام اداری و اقتصادی بوش همخوانی داشت، ولی بار اقتصادی و اجتماعی آن بر دوش کارگران و زحمتکشان آمریکا سنگینی می کرد. رکود بدترین نوع بحران در اقتصاد است. ضعیف ترین و آسیب پذیرترین طبقات و اقشار اجتماعی که با فروش نیروی کار خود امرار معاش می کنند، اولین قربانیان این بحران اند. با از دست دادن کار، گاهی تعادل روحی و روانی خود را از دست می دهند، با احساس بی هویتی روز های سخت و دشواری را می گذرانند. به نظر می رسد موج بیکاری که از نیمه دوم سال

2008 آغاز شده در سال 2009 در دنیا گسترش بیشتری خواهد یافت و از مرز 50 میلیون خواهد گذشت.

سال 2009 بسیار سخت و دشوار خواهد بود، مداخله دولت ها در امور اقتصاد، سرمایه گذاری و فعالیت های زیر بنایی بیشتر خواهد شد بگونه ای که سیاست بر اقتصاد پیشی خواهد گرفت. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که همواره در نسخه های اقتصادی خود از دولت ها می خواستند در امور اقتصاد دخالت نکنند و تنها مواظب نظم موجود باشند و جلو زیاده خواهی های اتحاریه های کارگری را بگیرند و راه را برای رشد نظام سرمایه داری هموار بکنند، این بار از دولت ها می خواهند که هرچه زودتر به نجات اقتصاد بپردازند و بحران را با تزریق پول مردم کنترل کنند. در این راستا دومینیک استراوس که ریاست صندوق بین المللی پول را دارد می گوید. آمار سال 2009 وخیم تر از گذشته خواهد بود و رشد اقتصادی جهان 2/2 درصد کاهش خواهد یافت. رابرت زولیک رئیس بانک جهانی با اشاره به فراگیر بودن بحران در جهان، بویژه در کشور های فقیر و عقب مانده می گوید. بحران جهانی در کشور های فقیر تأثیر بیشتری می گذارد، با گسترش بیکاری بحران های اجتماعی تشدید می یابد و به برخورد های اجتماعی می انجامد. در این میان رژیم هایی که با مردم خود فاصله دارند، از خشونت و زندان برای سرکوب جنبش های اجتماعی استفاده می کنند، در شرایط شکننده ای قرار می

گیرند از آن رو بگونه ای نشان می دهند که کشور آنها جزیره ثبات است و بحران جهانی هیچگونه تأثیری در اقتصاد آنها ندارد. از آن گذشته مدیریت آنها بگونه ای است که توانایی کنترل بحران را دارند و جهان برای برون رفت از بحران باید از آنها بهره گیرند!! به هر رو بحرانی که نظام سرمایه داری و اقتصاد های قدرتمند جهان را با چالش های جدی روبرو کرده، براحتی می تواند اقتصاد های وابسته به نفت را درهم کوبد و زمینه جنبش های اجتماعی را فراهم آورد. ایران از جمله کشور هایی است که سال ها با نظام های دیکتاتوری و استبدادی اداره شده، پایه و اساس این استبداد را درآمد های نفتی تشکیل داده است. از آن رو کوچکترین تغییر در این درآمد ها می تواند تغییرات و دگرگونی های بزرگ و ژرفی در ساختار و رفتار دولت های مستبد پدید آورد. هم زمان با پیدایش و آغاز بحران در غرب حکومتگران ایران که خود را تافته جدا بافته از دیگران می پندارند و با بهره گیری از باور های مذهبی مردم سرنوشت سیاسی مردم را در دست گرفته اند به تبلیغات وسیع و گسترده ای دست زدند که نظام های شرق و غرب در حال نابودی اند و عنقریب است که اندیشه ها و سیاستگزاری های آنها بر جهان حاکم شود!! رئیس جمهور اسلامی ایران به دفعات تکرار کرد که اقتصاد ما دچار بحران نمی شود و ما قادریم با بشکه 5 دلار هم به رشد خود ادامه دهیم. هر چند این گفتار در ظاهر برای مردم فریبی بود، زیرا با نگرانی از آینده بر خلاف گذشته که به حرف کارشناس ها اهمیت چندانی نمی داد، نشستی برای بررسی بحران مالی غرب و اثرات آن بر اقتصاد ایران برگزار کرد. در این نشست، چالش ها و فرصت ها مورد بررسی قرار گرفت. در پی آن شمس الدین حسینی وزیر اقتصاد و دارایی تلاش پیگیری را برای جلب سرمایه های خارجی بویژه سرمایه های هنگفتی که در دست ایرانی های خارج انباشت شده، آغاز کرد. وزیر دارایی یادآور شد که سرمایه گذاری در ایران سود آور و فرصت است. در این راستا محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی گفت. با برنامه ریزی در کشور اصل سود و سرمایه تضمین شده، بانک مرکزی سه در صد بیشتر از

نرخ های بین المللی سود می دهد. این نشانگر آن است که کشور نیازمند سرمایه و با کمبود جدی ان روبرو است و بحران خیلی زودتر از آن که انتظارش می رفت وارد اقتصاد و نظام کشور شده است. هم زمان با کاهش درآمد های نفتی که اقتصاد شدیداً به آن وابسته است، بازار سرمایه 20 میلیارد دلار ارزش خود را از دست داد. کاهش فرآورده های فولاد و پتروشیمی در کاهش بازار بورس و ارزش آن موثر بود. در این میان سرمایه گذاری به پانین ترین نقطه خود رسیده، بیکاری و فقر و بحران های اجتماعی در حال گسترش است. بر اساس سیاست گذاری های دولت حامی تجار و بازار و پانین نگهداشتن ارزش واقعی دلار و ارز های خارجی که بتواند با تورم مبارزه کند، اغلب مراکز تولیدی را یکی بعد از دیگری به تعطیلی کشانده است. در این میان حذف تعرفه های گمرکی برای میوه و محصولات کشاورزی این گروه را هم از تولید باز داشته است. استبداد حاکم بر ایران خود یکی از موانع عمده در برون رفت از بحران اقتصادی است، زیرا نظام عقب مانده و کهنه بخش عمده ای از ثروت ملی را برای پایداری خود هزینه می کند و هر روز بر تعداد نهاد ها و ارگان های سرکوب می افزاید. از این رو کاهش درآمد های نفتی فقر عمومی را گسترش خواهد داد و بحران را عمیق تر خواهد کرد. بنابراین روز های دشواری در پیش رو است. از یک سو بحران اقتصادی، تنش ها، ناهنجاری ها، بحران های اجتماعی و خیزش های مردمی را در پی خواهد داشت و از سوی دیگر فشار، اختناق و سرکوب را افزایش خواهد داد. بحران های اقتصادی در خیلی از جوامع پیش درآمد بحران های سیاسی و اجتماعی است.

بحران اقتصادی در جهان به کاهش قیمت نفت می انجامد و آن هم کاهش ذخایر ارزی، کم کردن هزینه های عمرانی، کسری بودجه و کاهش ارزش بورس را در پی خواهد داشت. پی آمد این کاهش درآمد های نفتی را می توان در لایحه انقباضی بودجه 1388 مشاهده کرد. بر اساس گزارش پژوهش های مجلس شورای اسلامی کسری بودجه 88 نزدیک به 60 میلیارد دلار خواهد بود که باید از پرداخت مالیات ها و صندوق ذخیره ارزی تأمین شود. به نظر نمی

رسد که جامعه توان پرداخت این مالیات را داشته باشد. بنابراین کسری بودجه به گونه ای تأمین خواهد شد که نرخ تورم را افزایش خواهد داد. این روند بر تعداد انسان هایی که زیر خط مطلق فقر به سر می برند و هر روز بر تعداد آنها افزوده می شود خواهد افزود. جامعه جوان میهن ما با بحران بیکاری روبرو است، سالانه بیش از یک میلیون جوان و جویای کار وارد بازار می شوند. بر اساس گزارش های رسمی تعداد بیکاران ثبت شده بیش از 3 میلیون نفر است. به نظر می رسد رقم واقعی خیلی بیشتر از این ها باشد. گودرز کریمی مدیر کل پیش گیری از بیکاری وزارت کار می گوید. در حال حاضر 1417 واحد با 570 هزار کارگر با مشکل مالی روبرو هستند، باید نقدینگی به

آن واحد ها تزریق کرد. این ها 13 میلیارد تومان به باتک ها بدهکارند که توانایی پرداخت ندارند. این هشدار است برای آنهایی که می گفتند اقتصاد ما دچار بحران نمی شود، هر روز بر دامنه بحران، عمق و تخریب آن افزوده می شود. ساختار امروز ظرفیت و توانایی کنکاش برای برون رفت از بحران را ندارد زیرا فاصله بین دولت و توده های مردم بویژه گروه های قومی و ملی در حال افزایش است از این رو در برخورد با جنبش های اجتماعی به خشونت متوسل می شود...

دکتر محمد حسین یحیایی

ا- لاهرودی

دوران آشفته گی «پایان می یابد»

غرب بعد از ۷۰ سال نبرد بی امان به نابودی کمونیزم در روسیه دست یافت این کشور پهناور را تکه پاره نمود، توسط عوامل داخلی خود اقتصاد آنرا به نابودی کشاند، منابع طبیعی و بازار آن را به انحصار خود در آورد.

غرب در رابطه با چین کمونیست سیاست دیگری را در پیش گرفت نخست با تقویت ناسیونلزم چین این کشور را در برابر روسیه قرار داد بعد با صدور سرمایه به این کشور به رشد اقتصاد آن یاری رساند در نتیجه چین به یک کشور بزرگ صادر کنند مواد مصرفی تبدیل گردید. بدین وسیله کمونیزم در چین بتدریج جای خود را به سرمایه داری داد.

غرب نسبت به روسیه سیاست دیگری را در پیش گرفت: صنایع پیشرفته. آنرا نابود نمود تا بدین وسیله روسیه را تحت سلطه خود در آورد و آورد. برای تثبیت این سیاست این کشور را در حلقه محاصره ناتو در آورد. برای فشار به روسیه از سیاست ضد روسیه اوکراین و گرجستان حمایت کرد.

روسیه با سوابق تاریخی ضد غربی و با اتکا به غرور ملی و سیاست عظمت طلبانه خود و با پشت سر گذاشتن دوران آشفتگی و جنگ در قفقاز شمالی منم گویان قد علم می کند و با بیانات تهدید آمیز در برابر غرب بخصوص در برابر آمریکا خود نمائی می کند حمله ارتش گرجستان به اوستیای تجزیه طلب جنوبی (منطقه خود مختار در گرجستان) و ضد حمله ارتش روسیه به گرجستان سر آغاز تقابل روسیه با غرب گردید. روسیه با استقرار پایگاه ضد موشکی آمریکا در لهستان و ایجاد دستگاه رادار در جمهوری چک شدیداً مخالفت می کند و اعلام میدارد که در صورت اجرای این برنامه موشک های خود را در کالینینگراد مستقر خواهد نمود. این اخطار اولین بر خورد شدید روسیه نسبت به سیاست ضد روسیه آمریکا است. مخالفت شدید روسیه نسبت به پذیرش اوکراین و گرجستان به سازمان نظامی ناتو دومین تقابل میان غرب و روسیه است. در عین حال روسیه با این عمل میکوشد به مستعمرات سابق روسیه تزاری و جمهوریهای سابق روسیه شوروی گوش زد کند که خود را جمع و جور کنند و از پشت کردن به روسیه به پرهیزند نزدیکی به روسیه را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهند.

ایجاد نیروی واکنش سریع در چارچوب ۷ کشور از کشورهای مشترک المنافع (روسیه، بله روس، ارمنستان، قزاقستان، تاجکستان و قیرقیزستان) سومین تلاشی است که روسیه برای رویارویی با غرب در پیش میگیرد.

بدین ترتیب روسیه یگانه کشوری است که دارد در راستای سیاست تقابل با آمریکا قرار میگیرد.

روسیه در این میان مخالفت خود را با تک قطبی بودن جهان مخالفت می کند و میکوشد هندوستان و چین را نیز با خود همراه کند. و به تک قطبی بودن جهان پایان

دهد. اما فراموش میکند که جهان از لحاظ سیاسی تک قطبی است ولی از لحاظ اقتصادی چند قطبی است یعنی کشورهای رشد یافته در یک قطب، کشورهای عقب مانده و در حال رشد در قطب دیگری قرار دارند. هندوستان و چین جزئی از کشورهای در حال رشد هستند و با قطب جهان رشد یافته روابط سیاسی و اقتصادی تنگاتنگ دارند و از لحاظ رشد اقتصادی به قطب رشد یافته و از لحاظ وجود فقر به قطب کشورهای عقب مانده نزدیکترند. یعنی هم هندوستان، هم چین و هم روسیه در جایگاه بینابین قرار دارند.

در قرن ۲۰ سیستم استعماری بر سراسر جهان حاکم بود. جنگ جهانی اول را امپریالزم آلمان برای تجدید تقسیم جهان به راه انداخت و خود در این جنگ شکست خورد.

جنگ دوم جهانی را باز هم امپریالزم آلمان برای ایجاد اروپای واحد تا اورال به راه انداخت. عمده ترین هدف از این جنگ نابودی کمونیزم در روسیه و تصاحب به مستعمرات آسیایی و آفریقایی انگلیس و فرانسه بود. اما دولت کمونیستی روسیه نگذاشت امپریالزم آلمان به این هدف دست بآید. بعد از شکست آلمان در کوتاهترین مدت دولت های کمونیستی در شرق اروپا و در قسمتی از آسیا تشکیل گردید تقابل میان کمونیزم و کاپیتالیزم شدت یافت و «خطر» گسترش کمونیزم در سراسر جهان زیادتیر گردید تجربه شکست آلمان در جنگ با کمونیزم روسیه، غرب را وادار نمود تا برای نابودی کمونیزم در روسیه راه دیگری را در پیش گیرد. جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی را به روسیه تحمیل نماید و زمینه فکری نابودی نه تنها کمونیزم در روسیه، بلکه نابودی قدرت حکومت در روسیه را فراهم کند، و بدست عاملین نفوذی خود به این هدف نائل آید. بدین وسیله برای عاملین خود ثروت کلان، برای مردم روسیه فقر و مسکنت آفرید.

سران ضد کمونیست کنونی روسیه بعد از آنکه ثروت و قدرت را به انحصار خود درآوردند. غرور ملی سرشان زد بدون تامل فیلشان یاد هندوستان کرد. «احیاء» عظمت روسیه در سیاست حکومتگران کنونی در اولویت قرار گرفت. آنها میخواهند نخست کشورهای مشترک المنافع را زیر نفوذ سیاسی و نظامی خود در آورند بعد دولت های ضد آمریکائی را با خود همراه کنند. این سیاست در آمریکای لاتین و در خاورمیانه بشکلی از اشکال توأم با «موفقیت» است.

اما تحکیم و تعمیق این سیاست به علل ناتوانی اقتصادی روسیه امکان پذیر نیست. بحران اقتصادی و پائین آمدن قیمت نفت اقتصاد از هم متلاشی شده روسیه را زیر ضربه قرار داده است. بنابراین احیاء عظمت روسیه در این شرایط رویایی بیش نیست.
